

قصه الطوفان في القرآن:

داستان طوفان در قرآن :

﴿ وَأَوْحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئَسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴾ * وَأَصْنَعُ الْفُلَكَ بِأَعْيُنِنَا وَوْحِينَا وَلَا تَخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ * وَيَصْنَعُ الْفُلَكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسَخَرُوا مِنِّي فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ * فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ * حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ * وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ * وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ * قَالَ سَاوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَجِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ * وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَىٰ الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ * قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ * قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ * قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِمَّنْ مَعَكَ وَأُمَّمٌ سَنَمْتَعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ * تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ﴾ (القرآن الكريم - سورة هود - الآيات: 36 - 49 .)

﴿ يا گویند دروغ بسته است آن را بگو اگر دروغش بسته باشم بر من است گناهم و بیزارم از آنچه شما گناه کنید * و وحی شد بسوی نوح که هرگز ایمان نیارند از قومت جز آنان که ایمان آوردند پس آزرده نشو از آنچه

می‌کنند * و بساز کشتی را به دیدگان ما و وحی ما و سخن نگوی با من در باره آنان که ستم کردند همانا ایشانند غرق‌شدگان * و می‌ساخت کشتی را و هرگاه بر او گذشتی گروهی از قومش مسخره‌اش گرفتندی گفت اگر ما را مسخره کنید همانا ما شما را مسخره کنیم چنانکه بودید شما مسخره می‌کردید * زود است بدانید که را آید عذابی که خوار سازدش و فرود آید بر او عذابی جایگزین * تا گاهی که بیامد امر ما و بجوشید تنور گفتیم بار کن در آن از هرکدام دو جفت را و خاندان خویش را مگر آنکه بر او پیشی گرفته است سخن و آنان را که ایمان آوردند و ایمان نیاورده بود با او جز اندکی * گفت سوار شوید در آن با نام خدا روان شدنش و لنگر انداختنش همانا پروردگار من است آمرزنده مهربان * و آن روان بود بدیشان در موجی همانند کوهها و برخواند نوح فرزند خود را و بود بر کناری که‌ای پسرک من سوار شو با ما و نباش با کافران * گفت زود است پناه برم به کوهی که نگه داردم از آب گفت نیست نگهدارنده‌ای امروز از امر خدا مگر آن را که رحم کرده است و حایل شد میان ایشان موج پس شد از غرق‌شدگان * و گفته شد ای زمین فروخور آب خویش را و ای آسمان بس کن و فرونشست آب و گذشت کار و استوار شد بر جودی و گفته شد دور باد برای گروه ستمگران * و خواند نوح پروردگار خود را پس گفت پروردگارا همانا پسر من از خاندان من است و هر آینه وعده تو حق است و توئی بهترین حکم‌کنندگان * گفت ای نوح نیست او از خاندان تو و همانا او کرداری است ناشایست پس نپرس مرا آنچه نیستت بدان دانشی همانا اندرزت گویم تا نباشی از نادانان * گفت پروردگارا پناه برم به تو که بپرسمت آنچه را نباشد مرا دانشی بدان و اگر نیامرزی مرا و رحم نکنی بر من باشم از زیانکاران * گفته شد ای نوح فرود آی با آرامشی از ما و برکتهائی بر تو و بر ملتھائی از آنان که با تو هستند و ملتھائی که زود است بهره‌مندشان گردانیم و سپس برسد ایشان را از ما عذابی دردناک * این از خبرهای ناپیدا است که وحی می‌فرستیمش به سویت و نبوده‌ای که بدانی آنها را تو و نه قومت پیش از این پس بردبار شو همانا فرجام است از آن پرهیزکاران ﴿ (قرآن کریم - سوره هود - آیات: ۳۶-۴۹) .

القصة القرآنية تشترك مع القصص التاريخية في أنّ الطوفان عقوبة إلهية، وأنّ نوحاً عرف بالطوفان عن طريق الوحي، وفي القصص التاريخية السومرية حدد نوح الوحي على أنه رؤى أو أحلام رآها نوح (عليه السلام).

داستان قرآنی از این نظر که طوفان را عذاب الهی می‌داند و اینکه نوح به وسیله وحی از طوفان باخبر شد، با داستان‌های تاریخی هم‌سخن است. در برخی داستان‌های تاریخی سومری نیز آمده که نوح (علیه السلام) وحی را به‌صورت خواب یا رؤیا دریافت کرده است.

وفي القصة القرآنية تحديد مسألة مهمة ذكرت سابقاً وهي أنّ الطوفان حصل في منطقة فيها جبال ﴿ قَالَ سَاوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمَغْرُقِينَ ﴾، وهذا يطرح سؤالاً مهماً وهو:

در داستان قرآنی به موضوع مهمی پرداخته شده که پیشتر در مورد آن بحث کردیم و آن این است که طوفان در منطقه‌ای که کوه‌ها در آن بوده، واقع شده است: ﴿ گفت زود است پناه برم به کوهی که نگه دارم از آب گفت نیست نگهدارنده‌ای امروز از امر خدا مگر آن را که رحم کرده است و حایل شد میان ایشان موج پس شد از غرق‌شدگان ﴾ اینجا پرسش مهمی مطرح می‌شود:

كيف أنّ الطوفان حصل في منطقة جنوب العراق كما هو مؤكد من خلال الذكر التاريخي لها عند السومريين والبابليين، ومنطقة جنوب العراق سهل رسوبي، فمن أين أتت الجبال لهذه المنطقة المنبسطة؟!

چگونه طوفان همان طور که تاریخ سومری ها و بابلیان به این مطلب اشاره دارد، در منطقه جنوب عراق روی داده و حال آنکه این منطقه، یک دشت آب رفتی است و در چنین مکان مسطحی، چگونه این کوهها سر برآورده است؟!

إذن، لابد أن نبحت عن منطقة ملاصقة لوادي الرافدين أو في الحقيقة تمثل امتداده وفيها جبال والمكان الملائم الوحيد الذي يجمع كل الأوصاف هو الوادي الخصب الذي ذكرناه سابقاً قبل أن تغمره المياه ويصبح الخليج الحالي وهذه المنطقة يصح أن تعد جنوباً للعراق.

بنابراین ما باید به دنبال مکانی چسبیده به بین النهرین یا در واقع جایی که ادامه این منطقه باشد و در آن کوههایی وجود دارد بگردیم. دره حاصلخیز پیش از آنکه آب آنجا را بپوشاند و به خلیج امروزی تبدیل شود، تنها جایی است که از همه این ویژگیها برخوردار است و ما پیشتر به این موضوع اشاره کرده ایم و این منطقه دقیقاً در جنوب عراق واقع شده است.

أيضاً: مسألة أخرى في القصة القرآنية وهي أنها تصف موج الفيضان بأنه كالجبال ﴿ وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ ﴾، وهذا الوصف لا يناسب فيضاناً يحدث بسبب الأمطار؛ لأنه في أي حال فيضان كهذا وفي منطقة سهل مفتوحة لن يحدث موجاً كالجبال. نعم، يناسب التصريح القرآني فيضاناً يحدث نتيجة ظاهرة تسونامي عظيمة أو انهيار سد طبيعي يفصل منخفضاً عن بحر فيه كميات مياه هائلة يمكن أن تملئ المنخفض بسرعة كبيرة مما يتسبب بإنشاء قفزة هيدروليكية كبيرة وبالتالي موج كالجبال، وهذا يناسب تماماً انهيار سد مضيق هرمز الحالي وامتلاء الوادي بالمياه ليتكون الخليج الحالي.

همچنین، در داستان قرآنی موضوع دیگری نیز رخ می‌نماید؛ اینکه قرآن موج سیل را به کوه تشبیه کرده است: ﴿ و آن روان بود بدیشان در موجی همانند کوهها ﴾ این توصیف برای سیلی که توسط باران پدید می‌آید درست نیست؛ چرا که به هر حال سیلی چنین سهم‌گین، آن هم در منطقه‌ای باز و در یک دشت، نمی‌تواند موج‌هایی کوهمانند به وجود آورد. چنین توصیف قرآنی، برای سیلی که توسط یک سونامی بزرگ یا از طریق شکسته شدن سدّی طبیعی که منطقه پست را از دریا جدا می‌کند و پشت آن مقادیر بسیار زیادی آب جمع شده، ممکن است روی دهد؛ چرا که در این حالت، منطقه پست به سرعت از آب پر می‌شود و همین می‌تواند جهش هیدرولیک عظیمی به وجود آورده، به دنبال آن موجی به سان کوه پدیدار شود. این مطلب کاملاً با منهدم شدن سد تنگه هرمز کنونی و پر شدن دره از آب و تبدیل آن به خلیج فعلی، مطابقت دارد.
